



گزارش مازندنومه از سومین شب نشان نیما در نوشهر
شب رخشان نیما



**سه شب اجرا
با سالن خالی!**



**وزارت کشور اگر هنر دارد،
وضع موجود را حفظ کند!**

مازندنومه

روزنامه آنلاین مازندنومه

شماره سیزدهم - شنبه ۲۷ آبان ۱۳۹۱

نشانی اینترنتی: www.mazandnume.com

یادداشت های پراکنده

خود مشت مالی!

سردبیر: دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی که تعداد کتاب های او از شماره بیرون است و من فقط فهرست ۶۱ کتاب او را دیده ام و تنها توانستم ده کتاب استاد را بخوانم، در سال ۱۳۸۵ کتابی انتشار داد به نام "خودمشت مالی". موضوع این کتاب که ۵۴۴ صفحه دارد چیزی نیست جز بیان گاف ها و سوتی های جناب استاد پاریزی در کتاب های دیگرش! او چرخي در کتاب های منتشرشده اش زد و پس از یافتن گاف ها و اشتباهات خود، آن ها را در کتاب خودمشت مالی گرد آورد! گاف ها در رسانه نیز پیش می آید که عموماً به خاطر شتاب در کارهاست و البته گاهی نیز از کم دانشی ناشی می شود، مثلاً "خبرگزاری مهر در روزهای ۱۳ و ۱۴ آبان امسال دو بار پشت سر هم همایش «تشیع و تبرستان» را این گونه تیتُر زد: «همایش تشیع و تبرستان!» که تشیع شده بود تشیع! از گاف معروف روزنامه بشیر مازندران که بگذریم و قابل گفتن نیست و باعث شد آن شماره جمع شود، همین دو هفته پیش بود که چهارشنبه روزی، دو صفحه میانی روزنامه وارث کاملاً سفید چاپ شد و در شماره روز بعد نیز مسئولان این روزنامه نکردند یک عذرخواهی ساده از مخاطبان شان بکنند! گاهی در همین نشریات استانی می بینیم که در صفحه نخست آمده: ادامه مطلب در صفحه ۳ اما در صفحه ۳ از ادامه مطلب خبری نیست! یا یک بار بالای یک آگهی تسلیت نوشته شده بود: «از شمار دو چشم یک تن کم، از شمار خرد هزاران بیش» که در هنگام تایپ "دال" خرد جا مانده بود و شده بود: «از شمار خر هزاران بیش!» و یک بار نیز در خبری آمده بود: «تعدادی از کارکنان شرکت با مشورت فلان مدیر استان در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایا از سوی رئیس شرکت مذکور، تحصن کردند.» که «م» مشورت هنگام تایپ جا افتاده بود! چند شب پیش نیز خبرگزاری فارس مازندران به خاطر شتاب بیش از حد، عکس مربوط به خبر سیل را کجکی انتشار داد:



البته گاف ها تنها مربوط به رسانه های وطنی نیست و خدوم بارها سوتی هایی را در رسانه معتبری مثل بی بی سی هم مشاهده کردم، مثل این تصویر:



آن چه در بالا آمده این که ما خود بدون اشتباهیم، گهگاهی ما نیز گاف می دهیم که در بعضی موارد خواننده ها اشتباهات مان را تصحیح کرده اند. نمونه آخر آن تایپ کلمه «ارازل» به جای «ارادل» در تیتیری بود که با یادآوری مخاطبی آن را درست کردیم!

صدای پای مرگ خاموش!

هوار به سردی گراییده و به تبع آن استفاده از لوازم گرم کننده نیز افزایش یافته است. دغدغه تابستان مازنی ها غرق شدن در دریاست و معضل زمستانه ما (غیر از سیل ماهیان که داریم!) خفگی بر اثر گازگرفتگی است! هنوز زمستان نیامده و به دنبال کاهش اندک دمای هوا، به خاطر استفاده از وسایل گرمایشی گاز سوز و غیر ایمن ۳ نفر از هموطنان بهشهری روانه بیمارستان شدند. دانشگاه علوم پزشکی مازندران اعلام کرده که نیمه شب ۲۰ آبان ماه در اثر نشت گاز مونوکسیدکربن در منزل واقع در شهرستان بهشهر ۳ نفر دچار مسمومیت با گاز شدند. علت حادثه مشکل فنی بخاری گازی و احتراق ناقص گاز بیان شده است. در میان آمار مرگ و میر ناشی از مسمومیت (مسمومیت دارویی، مسمومیت با سم، مسمومیت با گاز و ...) تنها یکی را «مرگ خاموش» نام نهاده اند: مسمومیت ناشی از استنشاق گاز بی رنگ و بوی منوکسید کربن که به نوشته سایت تابناک، در هر ۱۲۶ فرد مسموم شده، ده تن را به آغوش مرگی می کشد که در حقیقت شبیه تاوان سنگینی است که فرد برای یک بی احتیاطی بسیار ساده پرداخت کرده است. بر پایه آمار سازمان پزشکی قانونی کشور، در هفت سال گذشته (حد فاصل سال های ۸۴ تا ۹۰) بیش از شش هزار نفر از هم وطنان مان بر اثر گازگرفتگی جان باخته اند؛ یعنی به طور میانگین هر ساله نزدیک ۸۹۰ نفر از هم وطنانمان بر اثر بی توجهی به موارد ایمنی در نصب لوله بخاری و سیستم دودکش منازل، به خواب ابدی فرو می روند. واقعاً این گونه جان سپردن، مفت و بی ارزش است.

طاهایی استاندار مازندران:

سؤال از رئیس جمهوری تاکتیک های نظام را لو می دهد

متن وحاشیه نشست استاندار با مدیران پایگاه های مجازی مازندران



**نطق میان دستورا احمدی لاشکی
نماینده نوشهر و چالوس در مجلس
گرفتار خشم طبیعت شده ایم!**



مازندنومه: قاسم احمدی لاشکی - نماینده مردم نوشهر و چالوس در مجلس - در نطق میان دستور خود به انتقاد از عملکرد مدیریت استان در قضیه سیل اخیر نوشهر و چالوس پرداخت. نطق این نماینده را دفتر ارتباطات مردمی احمدی لاشکی برای ما ارسال کرده که برگزیده آن در زیر می آید: * مسئولان باید به صورت کارشناسی شده از هزینه های هنگفت و چندین باره ناشی از وقوع سیل و هدر رفتن سرمایه ها و تحمیل هزینه های ناخواسته جلوگیری کنند. * استان مازندران با حدود ۲۴ هزار کیلومتر وسعت سالانه بیش از ۷۰۰ میلی متر بارندگی را تجربه می کند که کمتر از ۵ درصد آن توسط سدها و بندها مهار می شود و مابقی آن به هدر می رود و بعضاً موجب خسارت به مردم می شود.

* سؤال ما این است که چرا استان مازندران در فصل تابستان با بحران کم آبی مواجه است و در بهار و پاییز با مشکل سیل روبرو است؟

* در بارش روز ۲۲ آبان ماه امسال ۱۷۲ میلی متر بارندگی در نوشهر و چالوس بارید که نتیجه آن، واقعه تلخ سیل برای چندمین بار است.

* سیل کلاردشت، میاندرد، نکا، بهشهر و تنکابن و همچنین سیل اخیر نوشهر و چالوس در کنار تمام مسائل و مشکلات نکات پنهانی را در لایه های خود دارد که توجه به آنها می تواند راهگشا باشد.

چرا با وجود جنگل انبوه در استان مازندران به دلیل چند ساعت بارندگی مورد هجوم سیلاب های ویرانگر قرار می گیریم؟

* برخی از افراد با هدف سودجویی از جنگل و با قطع درختان قطور و حتی تجاوز به دامنه جنگل ها موجب بر هم خوردن تعادل اکو سیستم طبیعت شده اند و این گونه است که طبیعت فریاد خشم آلود خود را در قالب سیل و زلزله و سایر بلایای طبیعی به نمایش می گذارد. * آیا واقعاً نمی توان با یک بار سرمایه گذاری برای انجام تحقیقات دقیق و علمی در مورد چگونگی پیشگیری از وقوع سیل اقدام عملی انجام داد؟

* حفظ، احیا و صیانت از جنگل ها، مراتع و منابع طبیعی و رودخانه ها و برنامه ریزی دقیق شهرداری ها و بخشداری هادر حوزه ساخت و سازها به صورت کارشناسی شده از هزینه های هنگفت و چندین باره ناشی از وقوع سیل و هدر رفتن سرمایه ها جلوگیری می کند.

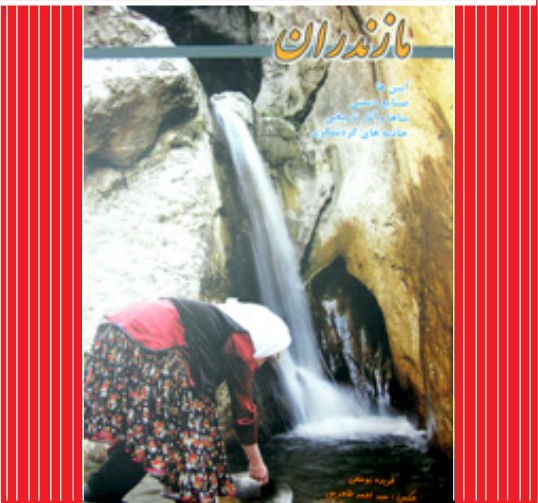
* امروز مردم مشکلات فراوانی مانند بیکاری جوانان، تحریم ها، گرانی و تورم را تحمل می کنند اما قرار نیست این مردم ضعف های مدیریتی مسئولان را نیز تحمل کنند.

* در سیل اخیر نوشهر و چالوس بیش از ۲۵۰۰ خانوار متلاشی شده اند، ساختمان و لوازم منزل این خانواده ها از بین رفته است و بسیاری از آنان در منازل بستگان خویش به سر می برند.

* برخی از دانش آموزان شهرستان های نوشهر و چالوس به دلیل نداشتن لباس و لوازم التحریر به مدرسه نمی روند هر چند که تعداد آنان محدود است.

کتاب عکس مازندران منتشر شد

دور مازندران در نیم ساعت!



«ارمون» را بخوانید

علی سینا رویگریان: «زهر اسلامی» - روزنامه نگار نام آشنا - که برای کسب مجوز «ارمون» سال ها انتظار کشید، بالاخره موفق به انتشار آن شد. این ماهنامه که شماره یک آن در ۸۴ صفحه منتشر شده است، شاید به این جهت در نوع خود کم نظیر است که تمام مطالب آن از آثار روزنامه نگاران، نویسندگان، پژوهشگران و هنرمندان مازندران است و برخلاف بیشتر نشریات مازندران، از مطالب پایگاه های اطلاع رسانی و خبرگزاری ها استفاده نکرده است! همت والای زهر اسلامی در این وانفسای سختی انتشار، ستودنی است. موفقیت او را آرزومندیم.

به مناسبت ۲۴ آبان روز کتاب و کتابخوانی کتاب را همگانی کنیم

منفعت، ضرر و زیان و مرزها را به خوبی تشخیص می دهد. باید بدانیم شکل گیری قوای ذهنی، تقویت حوزه معرفتی، رشد و غنا و توسعه فرهنگی یک قوم، به حیات و موجودیت کتاب وابسته است. کتاب میراث دار تمدن اسلامی ماست و ماسزوارترین مردم برای حفظ میراث داری کتاب به حساب می آئیم. با این وجود ایران در بین ۵۶ کشور مطرح در امر کتابخوانی، رتبه ۴۱ را دارد. جای بسی تاسف! باید بدون فوت وقت کتاب را همگانی کرد و به میان مردم آورد. مثلاً در موقعیت های انتظار مانند ایستگاه اتوبوس، ادارات، مطب های پزشکی، داخل هواپیما و قطار و اتوبوس و... با توجه به موقعیت، مکان را مزین به فضای کتاب و کتابخوانی کرد تا به جای اتلاف عمر (نظر و کلام) مردم به طرف دانایی کلام و دیدگاه گام بردارند. مردم ما باید با مطالعه به جایگاهی برسند که خود سره را از ناسره تشخیص و حق را از باطل تمیز دهند.

زهر مستشرق: به وجود آمدن فرهنگ مطالعه در جامعه، مستلزم تدوین و اجرای برنامه هایی است که عادت به مطالعه را رونق بخشد. عادت شکلی از الگوهای رفتاری است که در روند اجتماعی شدن، فرد از خود بروز می دهد. پس برای رسیدن به شرایط مطلوب، چاره ای جز به وجود آوردن عادت کتابخوانی در فرد نداریم. مقصد نهایی کتابخوانی به یک نقطه ختم می شود که همان اندیشه است. ضعف مطالعه نوعی هراس بر دل می نشاند که همان رشد نیافتن فکر و اندیشه افراد جامعه است. کتاب آینه ای است که بخش اعظم ره آورد تمدن های ماندگار تاریخ را به نمایش می گذارد و وارث هر گونه تلاش بشری است و خواندن کتاب مقدمه ورود آگاهانه شخص در فعالیت های اجتماعی و سیاسی و فرهنگی محسوب می شود. کتابخوانی، انسان را در تعیین سرنوشت خود و جامعه خویش دلسوزانه و فعالانه شریک می کند، قوه ابتکار و خلاقیت، روحیه آزادی خواهی و بزرگ منشی را در او تقویت می کند و حق و باطل، مصلحت و

وزارت کشور اگر هنر دارد،

وضع موجود را حفظ کند!



ایرج نیاز آذری:فرمانداران شهرستان‌های استان باحکم استاندار مازندران به‌عنوان رئیس "شورای راهبردی و اجرایی دانشگاه‌های شهرستان"انتخاب‌شدند. این خبرمطلبی بود که خبرگزاری فارس به نقل پیرفلک فرماندار شهرستان قائم شهر گزارش کرد.اواستفاده از ظرفیت دانشجویی ودانشگاه‌ها در توسعه فرهنگی، شناسایی جریان فکری موجود و بسترسازی برای برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی، تعیین موضوع‌های اولویت‌دار دانشگاه‌ها در حوزه‌های مختلف و هماهنگی برای رفع آنها راز اهداف تشکیل این کمیسیون اعلام کرد. جدا از سایر اظهارات تعجب برانگیز فرماندار شهرستان قائم شهر در باره دانشگاه‌ها وزیر سوال بردن آنها ملاحظات دیگری در باره این شورای تازه تاسیس وجود می باشد که ضرورت دارداستانداری مازندران ومسوولان دانشگاه ها نسبت به آن پاسخگو باشند.از آنجائی که کلیه فعالیت های آموزشی، علمی،اجرایی، سیاسی واجتماعی دانشگاه ها براساس ساختار، تشکیلات و مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و کمیته های زیر نظر آن شورا انجام می شود، تشکیل شورایی با عنوان "راهبردی و اجرایی "برای برگزاری کرسی های آزاداندیشی، تعیین موضوع های اولویت‌دار دانشگاه‌ها در حوزه‌های مختلف وهماهنگی برای رفع آنها در صلاحیت وزارت کشور یا شوراهای تاسیسی توسط استانداران نیست. ورود وزارت کشور – که خاستگاه سیاسی وامینتی دارد- به امور مختلف دانشگاه‌ها سیاستی نادرست و اقدامی تامل برانگیز به ویژه در آستانه انتخابات است. اگر قرار بر هماهنگی بین دانشگاه‌های شهرستان‌ها برای تحقق اهداف چنین شورایی باشد بهتر است به ریاست مقامات دانشگاهی و در درون مراکزعلمی اتفاق افتد،نه در زیرمجموعه وزارت کشور. اینکه استانداری مازندران با فرمانداری‌ها برای اجرای وظایف هماهنگی، سیاسی و اجرایی خود در غالب برخی شوراهای قانونی ومصوب با مشارکت و همکاری دانشگاه‌ها تمهیداتی را اتخاذ کنند، اشکالی نیست اما دخالت درتعیین موضوع های اولویت دار دانشگاه‌ها یا چگونگی برگزاری کرسی های آزاد اندیشی،امری تخصصی و درون دانشگاهی بوده و نباید استانداری یا زیرمجموعه هایش در آن درگیر شوند. ورود استانداری به موضوعاتی که دستورالعمل ابلاغی نهادهای کشوری مثل شورای عالی انقلاب فرهنگی دارند،شائبه دخالت در امور اجرایی دانشگاه‌ها را در اذهان متبادر می سازد.متاسفانه درحال حاضر علاوه بر وزارت کشور دخالت برخی نهادها و جریانات نیز در امور داخلی دانشگاه‌ها پر رنگتر از گذشته شده و این مسئله به استقلال وهویت مراکز علمی لطمه زده است. مدیران و مسوولان دانشگاه‌ها نباید اجازه دخالت افراد و نهادهای غیردانشگاهی را فراهم نمایند تا آنها دانشگاه را به سنگر استفاده ازاهداف سیاسی خود مبدل سازند. هویت دانشگاه‌به حفظ استقلال اعضاواجزای آن‌است وامینت آزادفکری و آزاداندیشی مطالبه جامعه علم و عالم است. در همین رابطه تشکل های دانشجویی برای نشاط سیاسی واجتماعی به فضای باز ووسعت نظر مسوولان نیاز دارند و اگر جریانات نازک طبع و برخی نهادها اجازه فرمایند جوشش فکری و پتانسیل فرهنگی واجتماعی دانشگاهیان بسیاری از امور را مطابق قانون و اراده ارکان ارشد نظام پیش می برند. البته استفاده از ظرفیت دانشجویی و دانشگاه‌ها در توسعه فرهنگی رویکرد درستی است ،یا اگر اراده ای در کاربست فعالیت های پژوهشی دانشگاهیان در سیاستگزاری‌ها وبرنامه ریزی های شهری صورت‌پذیرد جای امیدواری است، اما نیک می دانیم که دستگاه‌های اجرایی و مدیران کمتر از مشاوره استادان دانشگاه یا نهادهای پژوهشی بهره می جویند. به نظر نگارنده وزارت کشور اگر هنر کند وضع موجود را حفظ نموده و صدها امور حاکمیتی ابلاغی درکارگروه های مصوب ذیل شورای برنامه ریزی وتوسعه یا مشکلاتی نظیر تورم، بیکاری، تعطیلی صنایع و برخی ناهنجاری های اجتماعی را مدیریت نماید، کارخارق العاده ای انجام داده وبهتر است اجازه دهد امور جاری دانشگاه‌ها توسط خودشان –که الحمدالله اهل بصیرتند- حل وفصل گردد.نتیجه این که تشکیل شورایی که بخواهد مسائل اولویت دار دانشگاه‌ها را خارج از ساختار دانشگاه‌ها سیاستگزاری کند، امر نادرست وسیاسی است و از استاندار فرهیخته وفرهنگی مازندران تجدید نظر در این رابطه و لغو حکم مربوط را خواستارم.از روسای دانشگاه‌ها و تشکلهای دانشجویی هم انتظار می رودمناع از تصمیم سازی نهادهای غیر دانشگاهی برای امور داخلی دانشگاه‌ها شوند.

طاهایی استاندار مازندران:

سؤال از رییس جمهوری تاکتیک های نظام را لو می دهد

متن وحاشیه نشست استاندار

با مدیران پایگاه های مجازی مازندران

مازندنومه،سردبیر: نخستین نشست استاندار مازندران با مدیران پایگاه های مجازی مازندران(حدود ۳۰ پایگاه)،پیش از ظهر چهارشنبه در ساختمان استانداری مازندران برگزار شد. علاوه بر استاندار،معاون سیاسی و امنیتی استاندار،مدیر روابط عمومی،رییس دفتر و مدیرکل حراست استانداری و نیز معاون فرهنگی اداره کل فرهنگ وارشاد اسلامی مازندران در جلسه حضور داشتند که جز طاهایی و رستمعلی سایران ترجیح دادند سکوت کنند و از اظهارنظر خودداری کردند. چکیده ای از اظهارات حاضران به همراه برخی حاشیه های این نشست را بخوانید.

استاندار صدها برابر بیشتر دغدغه دارد

*** کمال رستمعلی** -مدیر روابط عمومی و امور بین الملل استانداری مازندران ابتدای جلسه شعری را از استاد شهیار با موضوع محرم و در توصیف امام حسین (ع) خواند که استاندار از او پرسید: این شعر را همان شهیار مشهور سروده؟ رستمعلی تایید کرد و گفت:از اشعار معروف زنده یاد شهیار است.

*** رستمعلی ضمن تمجید از عملکرد** سایت های خبری استان و تخصصی شدن فعالیت های آنان ،پیشنهاد داد پایگاه های خبری به دنبال ثبت و آرشیو کردن عکس ها،نوحه ها،سرودها و آیین های مذهبی و محلی قدیمی باشند.

*** مدیر روابط عمومی استانداری** مازندران گفت:تهران کم تر اجازه نمایش فیلم ها و برنامه های محلی مراکز را می دهد و خودمان باید همین جا جبران کنیم که طاهایی گفت: یک فیلم را هم که درباره مازندران ساختند به اسم علی آباد تولید شد! (اشاره به سریال پایتخت)

*** رستمعلی** با بیان این که من تاکنون از رسانه ها گلایه نکردم و بابت مطلبی به سایتی زنگ نزد اما امروز می خواهم قدری گلایه کنم،افزود: در ماجرای سیل اخیر طوری وانمود شد که انگار والی



استان به اندازه نویسنده های سایت دغدغه مردم را ندارد؟به همان اندازه که شما دغدغه مردم را دارید. آقای طاهایی صدها برابر بیشتر نگران است و دغدغه دارد واحساس مسئولیت می کند. *** رستمعلی** با یادآوری خاطره ای از کمک و پیگیری شبانه معاون سیاسی وامینتی استاندار مازندران از خانواده ای که در محور ساری به قائم شهر بی سرپناه بودند، تصریح کرد:بدون این که آقای ابراهیمی بخواهد من مطلبی نوشتم و این اقدام نیک را انتشار دادم، اما بعضی رسانه ها نوشتند ابرهیمی گروه رسانه ای دارد و برای خود تبلیغات می کند و...، در حالی که ماجرا این گونه نبود.

پیشنهادهای قبلی چی شد؟

*** ایرج نیاز آذری** -مدیر سایت سلام مازندران- گفت:من در جلسات گذشته، چند پیشنهاد ارائه دادم،نمی دانم سرانجام آن پیشنهاد ها چه بود که امروز پیشنهاد تازه ای بدهم. در این لحظه طاهایی گفت: یکی از پیشنهادهای خودتان را بگوئید که چه بوده است؟نیاز آذری پاسخ داد: مثلاً" تشکیل ستاد یا اداره کلی در استانداری برای امور بین الملل و کارهای مربوط به تجارت و سفرهای خارجی و مانند این ها که قبلاً" در چنین جلساتی مطرح کردم. استاندار هم توضیحاتی را در این زمینه ارائه داد.

*** عباس مهدوی** -مدیر سایت گردشگر آنلاین- ضمن بیان این که مادر بخش جلب و جذب توریست خارجی ضعیف عمل می کنیم،به معرفی کتاب مازندران، اثر تازه اتشارات شلفین پرداخت و حمایت های نهادهای دولتی را از این کتاب نفیس خواستار شد.

*** طاهایی** با اشاره به این که مادر حوزه گردشگری نقص جدی در زیرساخت ها داریم، درباره سفر اخیرش به چین گفت: ما به دعوت طرف چینی به دو استان جیلین و جیبانگ چین سفر کردیم و سرخود نرفتیم، بلکه دعوت شده بودیم. همین دو استان چین بیشتر از ایران و ۸۳ میلیون نفر جمعیت دارند و هتل ۵ ستاره شان جلوی چشم بود، در حالی که ما فعلاً" در استان هتل ۵ ستاره نداریم، مگر این که آقای عظیم زاده بنا کند.

*** استاندار** گفت: در راه جذب گردشگر خارجی و معرفی مازندران، قدم هایی برداشته شده اما کافی نیست. مثلاً" محتوای بسته هایی که برای عرضه در سفرهای خارجی می بریم، شامل صنایع دستی استان خودمان می شود.

*** طاهایی** در جایی از صحبت هایش گفت: خزر قوم خوش نامی نبوده و بهتر است به جای ساحل خزر آباد از نام ساحل فرح آباد استفاده کنیم که البته منظور از این فرح آن فرح معروف نیست!



*** عادل روحی** -مدیر سایت اصلاح نیوز- تاکید کرد: دادخواستی را در چندروز آینده آماده می کنم تا نام خزر را در مکاتبات داخلی حذف کنیم.

*** رضا بحرگرد** -مدیر پایگاه رو به شادی- در این جلسه اظهار داشت: بروز سیل در استان از سوءمدیریت ناشی می شود و اگر مدیریت ضعیف نبود ما این همه بلایای طبیعی نداشتیم، مسیری که ۷ سال پیش جنگل بود، الان ویلا سازی شده است. وی افزود: بعضی فرماندارها تحت امر مجموعه استانداری نیستند و از نماینده شهرشان حساب می برند. بحرگرد ادامه داد: ما باید نگاه فصلی را از دریا حذف کنیم و برای تمام سال برای دریا برنامه داشته باشیم و نام طرح سالم سازی دریا را هم تغییر دهیم.

*** استاندار** در این لحظه از حاضران پرسید: به جای طرح سالم سازی دریا شما چه اسمی را پیشنهاد می کنید؟ وی در جای دیگری گفت: به دلیل حذف بودجه فرهنگی ما هنوز توانستیم حق الزحمه ناجیان غریق را بپردازیم.

*** راحله حاجیان** -مدیر سایت خط سوم- صحبت هایش را با شعری از آرزو ولیپور -شاعر قائم شهری- در وصف حضرت زینب(س) آغاز کرد که استاندار گفت: این شعر را در سایت تان قرار دهید یا تکثیر کنید و در اختیار همه بگذارید. او در ادامه راجع به مصوبه دولت درباره حمایت از برنجکاران مطلبی را بیان داشت.

آش شما مرا نمک گیر کرد!

*** لابه لای اظهارات** به بهانه قرار گرفتن در آستانه ماه محرم، از حاضران با آش پذیرایی به عمل آمد. محمدقلی نژاد-مدیر پایگاه



شمال امروز -گفت: اول می خواستم موضوع دیگری را مطرح کنم اما چون آش خوردم، نمک گیر شدم و چیزی نمی گویم. او درباره توجه بیشتر به هیات های عزاداری محرم مطالبی را را بیان داشت. قلی نژاد گفت: حاج منصور در مهدیه تهران هزاران نفر را دور خود جمع می کند و ما اگر در مازندران چنین فضایی داشته باشیم، حتماً" می توانیم جوان ها را جذب کنیم.

*** عبدالله سعیدی** کیاسری -مدیر سایت شمال پرس- به بیکاری در مازندران اشاره کرد و یادآور شد: سازمان نظام مهندسی استان حدود ۱۸ هزار عضو دارد که ۶ هزار نفر پروانه دارند و فعالیت می کنند و بقیه بیکار هستند.

*** موسی علی اکبری** -مدیر سایت شمالنا- در این جلسه ضمن انتقاد از صدا وسیما به خاطر کم کای درباره زبان مازندرانی گفت: با وجود نیروهای متخصص در استان، اداره کل مسکن و شهرسازی با هزینه بالا طراحی سایتش را به تهران واگذار کرد که استاندار از رستمعلی خواست این موضوع را پیگیری کند.

*** علیرضا سعیدی** کیاسری -مدیر شمال آرت- آخرین نفری بود که صحبت کرد و گفت: فرهنگ هیچگاه به عنوان ضرورت مطرح نشده است. او گفت: در مدرسه از دانش آموزان پرسیدم: معروف ترین شاعر مازندرانی کیست؟ گفتند: علی گراییلی(خنده حاضران!) سعیدی افزود: کانون فرهنگی -تربیتی آموزش و پرورش را در ساری به بخش درمانی دادند. در حالی که ما در مرکز استان مشکل فضای بهداشت و درمان نداریم و مشکل فضای آموزشی داریم که استاندار از رستمعلی خواست این موضوع را هم پیگیری کند.

*** طاهایی** در پایان گفت: از هیچ کس گله ای ندارم و جز صمیمیت و دستاوردهای مثبت، خاطره ای ندارم. وی افزود: من ادبیات خاصی دارم و در استان های دیگر هم که بودم نیرو با خود نمی بردم و تنها می رفتم و تنها برمی گشتم و اگر استاندار سابق گیلان به تذکر من توجه می کرد، الان این مشکلات برایش پیش نمی آمد. طاهایی ادامه داد: ابراهیمی را نیز به خاطر رفتن آقای قناعت به استان گلستان انتخاب کردم و اگر قناعت نمی رفت شاید این معاونت را هم تغییر نمی دادم. استاندار گفت: هادی ابراهیمی را به خاطر این که اهل رسانه بود، انتخاب کردم.

*** به** حاضران دو گزارش مکتوب: ۱- گزارش تطبیقی بین سال های ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۴ و ۱۳۹۰ در برخی شاخص های اقتصادی و اجتماعی و ۲- گزارش از پروژه های در دست اجرای دولت در مازندران داده شد.

*** استاندار** گفت: این اولین نشست ما با رسانه های مجازی بود و تقاضا کردیم رسانه های دولتی و شبه دولتی مثل مهر و فارس نباشند، حتی هیچ کدام از معاون های خودم را نیاوردم و آقای ابراهیمی هم که این جا هستند به عنوان رییس شورای اطلاع رسانی حاضرند، نه معاون استاندار. به پیشنهاد شما جلسات آینده را موضوعی می کنیم و خودتان موضوع پیشنهاد دهید.

*** طاهایی** گفت: اعتبار عمرانی استان در ۸ ماه اول امسال فقط ۳۰ میلیارد تومان بود، در حالی که مازندرانی ها هر ماه بیشتر از ۱۴۰ میلیارد تومان یارانه می گیرند.

*** طاهایی** با بیان این که برخی طرح های مهم استانی مثل سد گلورد و آزاد راه تهران شمال در شمار پروژه های مهر ماندگار قرار گرفته است، افزود: من هنگام کلنگ زنی نیروگاه سیاه بیشه که حدود ۲۷ سال پیش بود، حضور داشتم، او از ابراهیمی و رستمعلی خواست توری برای بازدید مدیران سایت های مجازی از این نیروگاه مهیا کنند تا دستاوردهای مهم دولت معرفی شود.

او اضافه کرد که در زمان کلنگ زنی شرکت سفال طبرستان و سد شهید رجایی هم حضور داشتم و به عنوان نماینده نوشهر و چالوس (غرب استان) در مجلس پیگیری هایی برای این پروژه های شرق استانی انجام دادم و جذب اعتبار کردم.

*** طاهایی** گفت: خرده پول های استان و اعتبارات استانی تنها ۱۷درصد بودجه ماست و ۸۳درصد مابقی باید از تهران و از اعتبارات ملی جذب شود که هنر نماینده های مازندران است که اعتبارات را به استان بیاورند. وی افزود: ما که خودمان یک بار با کمک وزیر اقتصاد (۱۳۰میلیارد تومان از تهران برای غرب استان بودجه ملی جذب کردیم، در معرض سؤال و تحقیق و تفحص قرار گرفتیم!!

بانک ایده تشکیل دهیم

*** علی صادقی** -مدیرمسئول مازندنومه- در این نشست گفت: انتقاد رسانه های مجازی از سفرهای خارجی مسئولان، نه به خاطر نفس سفر و یا خرج از کیسه بیت المال است، حتی گاه ضرور یست که مدیران به این گونه سفرها بروند و با مدیریت و فن آوری ها و پیشرفت های نوین آشنا شوند، اما حرف ما این است که در چند سفری که انجام شد چرا گزارش کاری ارایه نشد؟ نتیجه ملموس این سفرها چیست؟ هیچ وقت بعد از بازگشت گزارش کاری، نموداری، جدولی و... از نتیجه سفرها ارایه نشدو این گونه به نظر می رسد که سفرها بی فایده است.

*** استاندار** در پاسخ گفت: در هیچ یک از سفرها ما ریالی از بودجه وزارت کشور خرج نکردیم و حتی ماموریت هم نگرفتیم، چون من حقوقی از وزارت کشور دریافت نمی کنم. وی افزود: البته تذکر خوبی داده شد که دستاوردهای سفر بازتاب داده شود و من می پذیرم. در ادامه برگه ای را کپی کرده و به حاضران دادند که در آن مختصری درباره سفر اخیر به چین توضیح داده شده بود.

*** مدیرمسئول** مازندنومه در ادامه بیان داشت: باید در استان و به سرپرستی استانداری بانک ایده تشکیل شود. این بانک در خیلی از کشورهای دنیا وجود دارد و در برخی سازمان های پیشرو در ایران هم مرسوم است. باید نرم افزار مدیریت ایده و سایتی طراحی شود که همه از نخبگان و رسانه چی ها و دانشگاهیان تا آحاد مردم بتوانند با مرآعه به این سایت، ایده های خود را در زمینه های مختلف ارایه دهند و هر چند ماه به ایده های برتر نیز جایزه داده شود. با ایجاد بانک ایده از نیروهای خوش فکر جوان استفاده بهینه می شود، دغدغه ها و نیازها شناسایی می شود و شبکه های ارتباطی و هم اندیشی های استانی شکل می گیرد.

*** صادقی** در ادامه به بیان ساز و کار تشکیل بانک ایده در استان پرداخت و افزود: در خیلی از مواقع ما در استان کارآفرین و طراح و سرمایه گذار داریم، ولی ترجیح می دهیم در استان های دیگر یا حتی خارج از کشور به دنبال او بگردیم و آن چه خود داریم از بیگانه تمنا می کنیم. مثلاً" دو سال پیش صاحب ایده ای در همین ساری با کسب مجوز از سازمان انرژی های نو از زباله برق تولید کرد که با تمام تلاش هایش مهجور ماندو مادر چین به دنبال حل مشکل زباله برآمدیم.

*** طرح** راه اندازی بانک ایده با استقبال استاندار مازندران مواجه شد و او از مدیرمازندنومه خواست طرح کامل را جهت بررسی به استانداری ارائه دهد. طاهایی درباره موضوع زباله هم گفت: این را هم شما خودتان با ما پی گیری کنید.

زمان سؤال از رییس جمهوری نیست

*** استاندار** در بخشی از اظهاراتش تاکید کرد: الان زمان سؤال از رییس جمهوری نیست، چراکه ایشان مجبورند در مجلس به بعضی موارد اشاره کنند و برخی تاکتیک های نظام لو ببرد.

*** محمدعلی روشن** -مدیر پایگاه صنایع نیوز- ضمن بیان مشکلات صنعت استان، گفت: تجمع کارگران نساجی جلوی بهارستان انصاف نبود و برای بیگانگان خوراک فراهم کرد.

گزارش تصویری از سیل فریدون کنار

عکس: عظیم غلامی



گزارش مازندنومه از سومین شب رخشان نیما

شب نشان نیما در نوشهر

محمد حسین ملایی کندلوسی-سومین شب نشان نیما همراه با پخش فیلم سینمایی "قصه‌ها" آخرین ساخته رخشان بنی اعتماد و تجلیل و اهدای نشان نیما به این بانوی بزرگ فیلم ساز و هنرمند برجسته ۲۱ آبان ماه در نوشهر برگزار شد.



محمدیان (فیلم)، محمد حسین ملایی کندلوسی و حسن قمی (خبرنگاران فعال منطقه) به عنوان فعالان عرصه فرهنگ و هنر در شهرستان نوشهر قدردانی شدند.

در پایان نیز بخشی از مستند «جاده خاموش است...» ساخته میثم زندی پخش شد. سخنرانی جهانگیر کوثری، پخش نماهنگ رخشان بنی اعتماد، آیین تجلیل از رخشان بنی اعتماد و اهدای نشان نیما از اهم برنامه های سومین شب نشان نیما در نوشهر بود.

عکس: الهام نوری+ سیده سحر حسینی

سیل در فریدون کنار / رئیس شورا: آب منطقه ای مقصر است

مازندنومه، عظیم غلامی: در پی بارندگی شدید روز پنج شنبه در فریدون کنار و تجمع آب های سطحی در رودخانه مرکز شهر، فرهاد برادران تاخیر یک ساله پروژه آب منطقه ای و اثرات سوء ناشی از آن را متوجه رمضان طهماسبی دانست و به او در مورد نبود مدیریت در ساخت دیواره های سد لاستیکی هشدار داد.

رئیس شورای شهر فریدون کنار پاسخگوئی این سوء مدیریت را خواستار شد و تصریح کرد: سد لاستیکی نزدیک به ۴ سال از شروع احداث آن می گذرد و طولانی شدن آن مشکلات

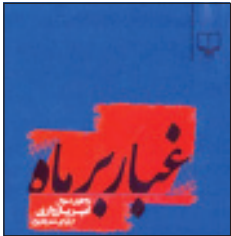
نگاهی به کتاب غبار بر ماه، واکاوی احوال امیر پازواری

غباری از چشمه

توسی، حکیم عمر خیام نیشابوری، سنایی غزنوی، عطار نیشابوری، عین القضات همدانی، مولانا جلال الدین بلخی، شیخ اجل سعدی و حضرت لسان الغیب حافظ شیرازی، ناصر خسرو قبادیانی، نظامی گنجوی، ابوالفضل بیهقی، ابوریحان بیرونی، محمد پسر جریر تبری، طالب آملی، اسعد گرگانی، نیما یوشیج، امیری فیروز کوهی، پرویز ناتل خانلری و... آری چنین است

وایراد وارد، اما زنگی در مغزم طنین می اندازد که این قاعده را شاید بهتر باشد در مورد امیر به استثنا تبدیل کنیم زیرا بیژن هنری کار مقرر کرد او را از ورای شعر و تاریخ جستجو کند. از آن مهم تر امیر شاعری است که نامش از قلم تراوید، بلکه از دل به زبان جاری شد. نام او و نسبت مکانی اش را نه بر دفتر مشق و تذکره ها، که بر صحیفه دل و صفحه ی زبان به نگارش داریم. تمامی مازندران و جلگه ی کران تا کران ساحل دریای پر آوازه ی آن و دامنه های چین دار پر فراز و نشیب البرز بلند از هردوسو، دست کم به اعتبار اینکه دیگران او را «شیخ العجم» ملقب کرده اند بر امیر به واقع تنگ است اگر او را امیر مازندرانی بنامیم چه رسد از این هم تنگ تر فقط «پازواری» اش بینگاریم و بس. منکر امری بدیهی نیستیم که امیری پازواری بر آبخشور «سبک و سیاق امیری» چندی جمید، اما این امیران در گوشه گوشه ی مازندران چنین بودند و در شرایطی شاید همزد پنداری خود را در قالب انسانی مافوق بشر تصور کرده موقتاً و در هنگامه ای بس کوتاه امیر شدند تا دو بیت امیری بسرایند که در فرم و معایش ناله ی همسان خود را با آه آن سودا کنند، عسر ها را به خیال خود به پسر مبدل کنند و سوزش نار را به نور پیوند زنند. از این روی شرنگ درد را با شهد «امیری سرایش» در آمیخته آرمان ها و آرزو های خود را با تخلص امیر متخلص سازند که در پندار خود بر آوردنش را عملی تر تصور کنند؛ چه می توان گفت در باب این امیری که نه در حد فاصل تاریخی قرن نهم تا دوازدهم که در ابتدای قرن چهار دهم سروده شده اما تمام قد یک امیری است و مهر تخلص امیر را نیز بر چهره دارد: امیر گنه جان ماسال دیکن بسازم / دیکن به دیکن کشک و اون بسازم

ادامه این یادداشت را در مازندنومه بخوانید.



یادداشت مهمان، مومن توپا ابراهیمی: غبار بر ماه نام کتابی است که در واکاوی احوال امیر مازندرانی (پازواری) توسط بیژن هنری کار در خرداد ماه سال ۹۱ با شمارگان ۱۲۰۰ جلد از سوی نشر چشمه به زیور طبع آراسته شد.

با عنایت به اینکه نویسنده ی محترم خود واکاوی احوال امیر را از ورای تاریخ و شعر جستجو کرد، شاید بهتر بود آنجا که نسبت

مکانی او را در آبیگینه ی شمال کشور نقش می زد، به جای حبس کردن امیر در دژ کم وسعت (به نسبت سراسر شمال) «پازوار» که البته به جای خود به دلیل حفظ امانت، پس سزاوار و نکوست از پسوند نسبت مکانی «مازندرانی» امیر که ورای پازوار است بهره می جست. به راستی ورای شعر و تاریخ کجاست؟ قطعا این قالب سترگ برای جغرافیای کم وسعت «پازوار» بسیار فراخ است. آسان ترین استنباط آن است که این ابرجایگاه لایذ صندوقچه های سینه و قلوب و شریان های حیاتی تمامی مازندرانیان، آن هم نه مازندران کنونی که مازندران تاریخی و حوزه ی فرهنگی زبان تبری از طالقان تا دیلمستان و قسمت هایی از دشت گیلان، از فرا سوی شمالی باستان شهر «ریگا=ری» تا بوسه گاه جنوبی در یای مازندران بر دامن سبز البرز و از دگر سو، خراسان غربی و سمنان است. شاید نویسنده محترم تداوم کار را در حلقه ای دیگر از زنجیره ی امیر و امیری پژوهی در دستور کار داشته باشد که از فحوای کلام و نوشتارش نیز چنین استنباط می گردد که در چنین صورتی پیش داوری ناسزاوار است، باید دید و پسندید. آقای بیژن هنری کار که به اعتبار دانش و نام خود کاری هنری عرضه نمود، شاید با به حصار بردن امیر در محدوده ی تنگ «پازوار» این در گران بها را ارزان فروخته و خدای ناکرده غافل ماند که امیر «واجب الوجود علم الاسما است» و گشاینده ی گره از بند «کنت کنزا مخفیا» احتمالا بپرسید مگر چه عیبی دارد؟ این حصن حصین از شایستگی های امیر هیچ نمی کاهد. به استناد این سند ساده که بسیاری از بزرگان شعر و ادب پارسی گویش، با پسوند مکانی محل تولد خود شهرت دارند، مانند: حنظله بادغیسی، کمال خجندی، رودکی سمرقندی، حکیم ابو القاسم فردوسی

گزارش تصویری مازندنومه از حرکات نمایشی در پیست اتومبیل رانی قائم شهر

عکس از: مصطفی کاظمی شهبابی



در کارنامه خود نمایشنامه هائی در رابطه با دفاع مقدس دارید. لطفا درباره آنها توضیح دهید.

بله، من چند کار در ارتباط با دفاع مقدس دارم. یکی از آن آثار که نویسندگی اش را خودم به عهده داشتم «وانیا» بود. این نمایش که درباره دغدغه های زنی ست که همسرش اسیر است و در انتظار اوست، در جشنواره تئاتر بسیج اجرا شد و مورد توجه قرار گرفت. بعد از آن هم سفارشی از بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس داشتم که موجب شد تا درباره دفاع مقدس و مسائل پیرامونی آن تحقیقاتی داشته باشم، به خصوص درباره نقش زنان که برایم تجربه بارززشی بود. حاصل آن تحقیقات نمایشنامه ای شد با نام «وقتی فراموش شدیم». داستان این نمایش درباره یک زوج شمالی است که تنها فرزندشان برخلاف میل آنها به جبهه رفته و متعاقب آن پیامدها و تنش هایی در متن شکل می گیرد. چون در آن سال ها کمتر به زوایای مختلف جنگ و اثرات آن بر خانواده ها پرداخته می شد، این دو نمایشنامه با استقبال بسیار مواجه شد و سالی که بنیاد حفظ آثار جشنواره نمایشنامه نویسی را اعلام کرد من با این دو کار شرکت کردم. نمایشنامه ها بدون نام به تهران ارسال شدند و من با شگفتی متوجه شدم که «وانیا» مقام اول و «وقتی فراموش شدیم» مقام سوم را کسب نمودند. هر دو نمایشنامه در آمفی تئاتر اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی و حوزه هنری مازندران اجرا شد که ارتباط خوبی با مخاطبان برقرار کرد، چون کار متفاوتی از اتفاقات جاری بود. از دیگر همکاری های من با بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس، پژوهش درباره زنانی بود که در سال های دفاع مقدس در غیاب سرپرست خانواده مسئولیت اداره خانه را برعهده داشتند که نتیجه بررسی هایم نمایشنامه ای شد با نام «نشانی» که محور اصلی آن دو کودک خردسال یک خانواده است. از آنجائی که در آثار دفاع مقدس در آن دوران به کودکان کمتر پرداخته شده، این اثر وقتی در بهشهر اجرا شد مورد استقبال قرار گرفت در حال حاضر این کار در جشنواره بسیج ارائه شده و مشغول کار بر روی آن هستیم.

قسمت عمده فعالیت های شما آموزش تئاتر به کودکان است. چرا این گروه سنی را برای آموزش انتخاب کرده اید و نتیجه این فعالیت چه بوده؟

کار آموزش تئاتر کودکان از طرف فرهنگخانه به من پیشنهاد شد و من با میل و رغبت پذیرفتم. از آنجایی که در نمایش کودکان، آثار نوشته شده کمی داریم و اکثر آثار موجود نیز تنها جهت سرگرمی کودکان نوشته شده بنابراین تصمیم به نوشتن کارهای مینی مال، یعنی تئاترهای ۵ تا ۷ دقیقه ای، گرفتم و در هر یک به نوعی به دغدغه های ویژه کودکان و حقوق آنها پرداختم. امسال پنجمین سالی ست که در حال انجام این کاریم و می توانم بگویم هر سال ۳ تا ۴ کار را در همایش سالانه فرهنگخانه مازندران اجرا کرده ایم. می خواهم این تئاترها تلنگری باشد برای بزرگسالان تا حقوق کودکان را بشناسند و نیز خود کودکان با حقوق و حدود خود آشنا شوند. حاصل ۴ سال فعالیتیم در این زمینه حدود ۱۵ یا ۱۶ متن کوتاه است. در این تجربه ها همتم بر آن بوده تا کودکان تنها محدود به نمایش های ویژه کودکان نباشند و در آثار جدی تر نیز بتوان از آنها در کنار بزرگسالان و پیشکسوتان استفاده کرد و این یعنی تلفیق پتانسیل تجربه و حس کودکانه. چون کودکان قادر به تحلیل برخی از تکنیک هانیستند و از آنجائی که نمایش اساسا نوعی بازی ست و ما بزرگ ترها به همین بهانه حرف های مان را می زنیم، پس چه اشکالی دارد که کودکان را در این بازی شریک کنیم؟ علاوه بر دشواری کار با کودکان، هماهنگی با خانواده ها چه در تابستان به علت تعطیلات و چه در زمستان به خاطر مدارس - هم مانع دیگری ست که متاسفانه مرا از ارائه کارهایم در جشنواره های جدی تر باز داشته ولی این یکی از آرزوهای من است. دو کار موزیکال در دست دارم که تمام بازیگران آن کودک هستند، در تلاشم که بتوانم آنها را در جشنواره ویژه کودکان که هر سال در کشور برگزار می شود، شرکت دهم.

آیا از بین کودکانی که در کلاس های شما آموزش می بینند، استعدادیابی هم انجام می دهید برای فعالیت در زمینه های گسترده تر؟

بله. این یکی از افتخارات من است ک برخی از بچه های را که دارای استعداد بیشتری هستند به دوستانی که برای تهیه فیلم به این استان می آیند معرفی کنم. به طور مثال علیرضا قاسمی، هلیا صابری، فرزام عزیزی و تجربه های خوبی داشتند در عرصه سینما و خوشبختانه خوب درخشیدند و نشان دادند انتخاب شان به جا بوده.

چه مشکلاتی در مسیر کار تئاتر وجود دارد، خصوصا در مازندران؟

باید پذیرفت که کار تئاتر اساسا بسیار دشوار است و این دشواری برای زنان به مراتب بیشتر است. ا مادر هر کاری اگر

گفت و گو با منیژه معصومی نویسنده و کارگردان تئاتر)

سه شب اجرا با سالن خالی!



منیژه معصومی، متولد ۱۳۴۲ شهرستان بهشهر است که از دوره ابتدائی در کنار برادرانش (خسرو و علی معصومی) که در عرصه تئاتر فعالیت داشتند، وارد فضای تئاتر شد. اولین تجربه کاری اش در سن ۱۱ سالگی با تئاتر موزیکال «شهر قصه» بود که در بهشهر و بعد هم در ساری اجرا شد. این نمایش بهانه ای شد تا او سال ها به بازیگری ادامه دهد. با پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل خانواده، به مدت ده سال از دنیای تئاتر فاصله گرفت، اما حضور فرزندش در مهد کودک سبب شد که به ضرورت آموزش تئاتر به کودکان پی ببرد. او با ارائه این پیشنهاد به بهزیستی، موفق شد تا به عنوان مربی، به صورت رایگان، به آموزش تئاتر کودکان بپردازد که متعاقب آن به نتایج خوبی دست یافت و در جشنواره سراسری استان مازندران نمایشی را با بضاعتی اندک و با بازیگری خردسالان به اجرا گذاشت که به عنوان برترین اثر انتخاب شد. این نمایش در سینمای بهشهر نیز اجرا شد و مورد توجه قرار گرفت. در آغاز شکل گیری انجمن های نمایشی او به جهت سابقه موثرش به عنوان عضو هیات اصلی این انجمن معرفی شد اما بعد از چند سال به خاطر شرایط شغلی همسرش به ساری نقل مکان نمود. طبیعتا عدم آشنائی با فضای فرهنگی جدید دشواری هایی را در مسیر فعالیت هایش قرار داد، اما معصومی تقابل با سختی ها را تجربه ای ارزنده دانست و در جشنواره نگاه و نظر هلال احمر، با نمایشنامه «بازگشت» شرکت کرد که این اثر بعد از اجرا در بخش استانی به عنوان نمایش برتر انتخاب شد. سپس در جشنواره منطقه ای نیز جوایز متعددی را دریافت کرد. در عرصه بازیگری نیز در نمایشنامه ای از جیستا یثربی برای جشنواره تئاتر بسیج، نقش مادر را ایفا کرد و توانست در بخش استانی جایزه بازیگر برتر و در بخش منطقه ای مقام دوم کشوری را کسب کند. تئاتر آپدا (با موضوع حقوق کودکان)، وانیا -۱۳۸۳ و وقتی فراموش شدیم- ۱۳۸۴ نیز از دیگر آثار این هنرمند است. وی اکنون در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ساری آموزش تئاتر کودکان را بر عهده دارد. معصومی علاوه بر فعالیت در عرصه ی نمایش با انجمن نقد هم نگر ساری شناسی نیز همکاری داشته و عضو گروه پژوهش این انجمن است.

حسن نیت باشد کار با همه دشواری ها خوب انجام خواهد شد. متاسفانه در تئاتر مازندران این مسئله بسیار کم رنگ است و این شاید متاثر از کم لطفی مسئولان باشد. خوشبختانه در سال های اخیر تغییرات مثبتی رخ داده مثلا کارشناس تئاتر استان از بین دانش آموختگان همین رشته انتخاب شده است و این امر باعث شد مسئولان، مشکلات موجود در مسیر شکل گیری یک نمایش را بدانند و در جریان میزان تاثیر جدی تئاتر در تغذیه روح و روان مردم قرار بگیرند. بی مهری ها حتی با انگیزه ترین هنرمند را مایوس خواهد کرد. به خصوص در کوران جدید اقتصادی، هنرمندان برای داشتن حتی ساده ترین دکورها با مشکلات عمده مواجه هستند و این حتی تلاش عاشقانه هنرمندان را هم به یک شعار بدل می کند. علاوه بر این ها مشکل عمده ما، نبود آرشو ساده دکور و لباس است. آرشویی که اساس کار تئاتر محسوب می



بی مهری ها حتی با انگیزه ترین هنرمند را مایوس خواهد کرد

شود. این کاستی هر گروه را مجبور می کند زمان اجرا برای کوچکترین امکان هزینه مضاعف صرف کند. در حالی که وجود آرشو، هزینه ها را تا حد محسوسی کاهش می دهد.

آیا راهکاری برای حل مشکلات دارید؟

به مدت سه سال است در کنار برخی از هنرمندان صادق و کوشا، برای رفع معضلات و مشکلات جدی تئاتر مازندران دست به اقدامی زدم که بتوانیم بعد از اولین خانه تئاتر که در تهران تاسیس شده، خانه تئاتر مازندران را راه اندازی کنیم. بعد از نامه نگاری هاو پی گیرهای مداوم سال گذشته موفق به دریافت تائیدیه تاسیس خانه تئاتر مازندران شدیم و در این مدت با تک تک هنرمندان این عرصه از شرق تا غرب استان تماس گرفتیم تا مدارک لازم را برای عضویت ارائه کنند. تمام این فعالیت ها با همت و هزینه شخصی ده عضو اصلی انجام گرفته، بدون هیچ حمایتی از طرف هیچ ارگانی. در حال حاضر در تلاشیم که اولین نشست مجمع عمومی برای تعیین هیات رئیسه را همزمان با جشنواره استانی، برگزار کنیم. فکر می کنم خانه تئاتر به ما هویت رسمی خواهد داد. صنفی مستقل که مال هنرمندان است و امیدوارم بتوانیم خودمان حامی هم باشیم. در واقع تجربه خانه تئاتر تهران نشان داده که این اتفاق مشکلات هنرمندان را کم می کند البته نباید انتظار معجزه داشت اما اینکه بتوانیم مشکلات را در درون خود حل کنیم موفقیتی خواهد بود. صنف می تواند از مراکز مختلف جلب حمایت نموده، از هنرمندان بازنشسته پشتیبانی کند. زیر سقف این خانه می توان از توفان ها در امان بود. با همبستگی و کمی

گزارش تصویری مازندنومه

از نمایشگاه کتاب ساری

سالن سلمان هراتی

۲۰ تا ۲۷ آبان ماه

عکس از کلثوم فلاحی



چشم پوشی، حتی با وجود اختلاف نظرها، می توان به هدف بزرگ رسید. من امیدوارم. ناگفته نماند اتفاق خوب دیگری که این سال ها رخ داده، استقرار گروه ها ست که از طرف انجمن نمایش تهران صورت گرفته و امسال دومین سال خود را پشت سر گذاشت. هنرمندان با ارائه رزومه کاری خود به انجمن تهران و پس از بررسی هایی که از فعالیت های حرفه ای آنها انجام می شود، می توانند پروانه فعالیت حرفه ای دریافت نمایند که خوشبختانه می یکی از ده گروهی هستم که در مازندران موفق به دریافت پروانه شدم که ملزمم می کند تا سالانه حداقل یک کار ارائه کنم. هویت گرفتن گروه ها و تحت پوشش قرار گرفتن آنها تحت تعریف خاص حسن این اتفاق است. اینکه بودجه ای هر چند اندک به گروه ها تخصیص می گیرد، می تواند امید دهنده باشد.

استقبال مردم نسبت به کلاس های آموزشی تئاتر و نیز وضعیت مخاطبان تئاتر چگونه است؟
بخش آموزش، علاقه مندان زیادی دارد به خصوص در عرصه بازیگری. از نظر من آموزش از آن جهت مهم است که می تواند بینش هنرمندان را بسازد که آیا هدف آنها تنها شهرت طلبی ست یا دغدغه هنر و ارتقا اندیشه مردم را دارند.

مشکلات مختلفی درباره جلب مخاطب داریم. متاسفانه امروزه تکنیک ها و متدهای نوین سبب شده تا برخی از نمایش ها صرفا برای خود تئاتری ها ساخته شود و مردم عام چیزی از آن درک نمی کنند. شاید این نمایش ها در جشنواره ها چشم گیر باشند اما تئاتر باید با مردم ارتباط برقرار کند تا بتواند جایگزین مطمئنی برای برنامه های سخیف رسانه های نامطلوب باشد. تئاتر باید مردم را به فکر واداشته و تنها جهت سرگرمی نباشد. بازکردن چشم مردم نسبت به معضلات اجتماعی و توجه دادن مسئولین نسبت به مشکلات موجود، رسالت هنرمند است. نقدی که از درون انجام گیرد یقینا بهتر از بوق های تخریب گرانه ی بیگانگان است. تبلیغات هم مسئله ی مهمی ست. متاسفانه در این زمینه حمایت نمی شویم. ما حتی برای تبلیغات به شهرداری باید پول بپردازیم. صدا و سیما هیچ بخشی را به تئاتر اختصاص نمی دهد. کمتر برنامه ای در شبکه مازندران به رویدادهای هنری می پردازد. اطلاع رسانی آن قدر ضعیف است که حتی بیشتر مردم ساری نمی دانند این شهر آمفی تئاتر دارد! این است که حاصل ماه ها تلاش ما می شود سه شب اجرا با سالن خالی. در حالی که ما در اجراهای مان فروش بلیت نداریم. نه اینکه مردم مشتاق به تماشای تئاتر نیستند، مردم اطلاع ندارند که فلان تئاتر روی صحنه است. فعال تر کردن این بخش ضروری ست تا عموم مردم علاقه مند در جریان اجرای برنامه ها قرار بگیرند.

حرف آخر؟

تشکر می کنم از شما. باور کنید همین توجهات کوچک بهانه ای می شود تا شنیده شویم و شاید پاسخی برای دغدغه های مان بگیریم. ما هنرمندان وظیفه داریم خلایهائی را که قبلا در تئاتر به وجود آمده با تلاش بیشتر جبران کنیم. کار سختی ست می دانم اما امیدوارم همت ما در کنار حمایت مسئولان دلسوز موجب شود تا تئاتر تربیونی شود برای اهداف جامعه ایرانی اسلامی ما. می دانم تئاتر ایران در کشورهای دیگر طرفداران زیادی دارد و این فرصتی ست برای صدور فرهنگ کشور عزیزمان و نیز فرصتی جهت درآمذائی. حالا چرا آنطور که باید از این فرصت استفاده نمی کنیم، خودم هم به درستی نمی دانم.

گفتگو: لیلا مشفق